



عدالت اجتماعی در بعد اقتصادی

غلامرضا مصباحی

قسمت پنجم

اصل مشروعیت تأمین اجتماعی، اساس نظری آن و افراد زیر پوشش تأمین اجتماعی در قسمت پیشین این مقاله بررسی شد. مواردی که در این قسمت درباره آنها بحث می‌شود عبارتند از:

- مسئول تأمین اجتماعی: عموم مردم مکلف به تأمین نیازمندیهای ضروری سایر مسلمانان می‌باشند همچنین تأمین حد کفایت زندگی نیازمندان به عهده حاکم اسلامی است.
- منابع تأمین اجتماعی: زکات، خمس، کفارات مالی، انفاقات مستحبی و... از جمله منابع تأمین اجتماعی می‌باشند.

پرتال جامع علوم انسانی

مسئول تأمین اجتماعی

اصل تأمین اجتماعی در اقتصاد اسلامی به دو گونه انجام می‌گیرد: یکی مسئولیت کفالت عمومی و دیگری حق جامعه در درآمدهای عمومی دولت.^۱

مسئولیت کفالت عمومی، بیش از تأمین نیازهای حیاتی و ضروری افراد را

۱ - در تفصیل این مطلب به کتاب اقتصادنا مراجعه شود.

اقتضا نمی‌کند ولی پایه دوم تأمین اجتماعی که حق افراد جامعه در درآمدهای عمومی دولت است، اشباع همه نیازهای ضروری و رفاهی افراد در سطح متوسط و متعارف اجتماعی را ایجاب می‌نماید.

دولت اسلامی موظف است در هر دو مورد در حدود امکاناتش اقدام لازم را برای تأمین اجتماعی انجام دهد. اکنون به توضیح هر یک از دو پایه تأمین اجتماعی می‌پردازیم؛

کفالت عمومی

اولین پایه تأمین اجتماعی کفالت عمومی و همگانی است، براساس آن بر همه مسلمانان واجب کفایی است که در حدود شرایط و امکاناتشان به تأمین نیازمندیهای ضروری برادران خود اقدام کنند؛ همانگونه که به سایر وظایف واجب خود عمل می‌نمایند. از امیرالمؤمنین (علیه السلام) نقل شده است که فرمود:

إِنَّ اللَّهَ قَرَضَ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ
أَقْوَاتَ الْفُقَرَاءِ فَمَا جَاعَ فَقِيرٌ إِلَّا بِمَا مَتَعَ
عَيْنٌ وَاللَّهُ تَعَالَى سَأَلَهُمْ عَنْ ذَلِكَ^۲

همانا خداوند در اموال ثروتمندان، معاش فقیران را قرار داده است. پس هیچ فقیری گرسنه نمانده است مگر به جهت آنچه ثروتمندی از آن متع نموده و خداوند از

آنان در این باره مطالبه می‌فرماید.

همچنین روایت شده که فرمود:

وَأَنَّ النَّاسَ مَا افْتَقَرُوا وَلَا اخْتَأَجُوا
وَلَا جَاعُوا وَلَا عُزُوا إِلَّا بِذُنُوبِ الْأَغْنِيَاءِ.^۳

همانا مردم فقیر و نیازمند و گرسنه و برهنه نشدند مگر به خاطر گناه اغنیا.

یعنی اغنیا با نپرداختن حقوق فقرا مرتکب گناه شدند و فقر نیازمندان اثر این گناه ثروتمندان است.

رفع نیازهای ضروری زندگی فقرا بر عهده اغنیاست. بدین معنی که اگر ثروتمندان زکات مال خود را بدهند ولی نیازهای ضروری نیازمندان تأمین نشود، بر اغنیا واجب است به رفع آن نیازها اقدام کنند. قرآن می‌فرماید:

وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ،
لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ.^۴

(مؤمنان) کسانی هستند که در اموالشان حق معینی برای فقیر و محروم است.

و در روایتی در تفسیر این آیه از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمود:

وَلَكِنَّ اللَّهَ (عَزَّوَجَلَّ) فَرَضَ فِي
أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ حُقُوقًا غَيْرَ الزَّكَاةِ قَطْلًا

۲ - وسائل الشیعه ج ۶ ص ۱۶ ح ۲۵.

نهج البلاغه صبحی صالح ص ۳۳۵.

۳ - وسائل الشیعه ج ۶ ص ۴ ح ۶.

۴ - سورة معارج آیه ۲۵.

عَزَّوَجَلَّ: وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ
لِلنَّاسِ لِيَقُولُوا هَذَا مِثْلُ حَقِّهِمْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ عَلَيْهِمْ
يَفْرِضُهُ عَلَى النَّاسِ فِي مَالِهِ، يَجِبُ
عَلَيْهِ أَنْ يَفْرِضَهُ عَلَى قَدْرِ طَاقَتِهِ وَسَعَةِ مَالِهِ
فَيُؤَدِّي الَّذِي فَرَضَ عَلَى نَفْسِهِ إِنْ شَاءَ فِي
كُلِّ يَوْمٍ وَإِنْ شَاءَ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ وَإِنْ شَاءَ فِي
كُلِّ شَهْرٍ... ٥

خداوند عزوجل در اموال اغنیا حقوقی
غیر از زکات واجب کرده و فرموده است:
«و کسانی که در اموالشان حق معلومی برای
فقیر است» پس حق معلوم غیر از زکات
می باشد و آن چیزی است که فرد پرداخت
آن را از مال خود واجب می کند و بر او لازم
است که آن را به مقدار توان و توسعه مالش،
قرار دهد. بنابراین آن را که بر خود واجب
کرده اگر بخواهد هر روز و اگر بخواهد هر
هفته و اگر بخواهد در هر ماه ادا می کند...

مسئولیت دولت در این مورد این
است که مردم را به انجام تکلیف
شرعی خود وادار نماید. بنابراین دولت
به عنوان حافظ احکام اسلام و ناظر بر
اجرای دقیق آنها و به عنوان مقام
مسئول در امر به معروف و نهی از
منکر، حق دارد هر فردی را برانجام
واجب شرعی اجبار نماید. و
همانگونه که حاکم اسلامی حق دارد
در صورت واجب شدن جهاد مردم را به
اقدام لازم وادارد، همچنین حق دارد
برانجام وظایفشان نسبت به کفالت

درماندگان و تأمین ضروریات زندگی
آنان - در صورتی که خود اقدام
نکنند - اجبارشان نماید. به موجب
این حق، حاکم اسلامی می تواند
زندگی افراد ناتوان را به نیابت از
مسلمانان تأمین کند و در حدود
صلاحیتهايش امکانات لازم برای این
کار را بر عهده افراد توانمند قرار دهد تا
بودجه آن را فراهم کنند.

برای اینکه حدود تأمین اجتماعی
بر اساس کفالت عمومی و نوع نیازهایی
که از این راه باید تأمین گردد مشخص
شود به پاره ای از روایات بحث اشاره
می کنیم:

در روایتی از سماعه آمده است که
او از امام صادق (علیه السلام) درباره
گروهی که بیش از نیازهای خود
ثروت دارند و برادرانشان در نیاز شدید
به سر می برند و زکات برای آنان کافی
نیست، پرسید: آیا آنان حق دارند سیر
باشند در حالی که برادرانشان
گرسنه اند؟ زیرا اوضاع زمانه سخت
است. امام به او پاسخ داد:

الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ لَا يَظْلِمُهُ
وَلَا يَخْدِلُهُ وَلَا يُغْرِمُهُ فَيَحِقُّ عَلَى الْمُسْلِمِينَ
الْإِجْتِهَادُ فِيهِ وَالْتِمَاضُ وَالْتَعَاوُنُ عَلَيْهِ

وَالْمَوَاسَاةَ لِأَهْلِ الْحَاجَةِ وَالْعَطْفَ مِنْكُمْ
تَكُونُونَ عَلَى مَا أَمَرَ اللَّهُ فِيهِمْ زُحْمًا
بَيْنَكُمْ مُتْرَاحِينَ.^۶

مسلمان برادر مسلمان است. نه به او
ستم می‌کنند و نه یاری او را ترک می‌کنند و نه
محروم می‌نماید. پس بر عهده مسلمانان
است که در این باره بکوشند و در ارتباط و
کمک به یکدیگر اقدام کنند و نسبت به
نیازمندان باید از ناحیه شما مواسات و توجه
باشد. مانند آنها باشید که خداوند درباره
آنان فرموده: با هم مهربان و با عطف‌اند.
در حدیث دیگری نقل شده که
امام صادق (علیه السلام) فرمود:

أَيُّا مُؤْمِنٍ مَتَّعَ مُؤْمِنًا شَيْئًا مِمَّا يَخْتِاجُ
إِلَيْهِ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهِ مِنْ عِنْدِهِ أَوْ مِنْ عِنْدِ
غَيْرِهِ أَقَامَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُسَوِّدًا وَجْهَهُ
مُرْوَرَّةً عَيْنَاهُ مَعْلُومَةٌ تَدَاهُ إِلَى عُنُقِهِ فَيُقَالُ
هَذَا الْخَائِنُ الَّذِي خَانَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ ثُمَّ
يُؤْمَرُ بِهِ إِلَى النَّارِ.^۷

هر مؤمنی از مؤمن دیگر چیزی را
که به آن محتاج است منع کند در حالی که
می‌تواند آن را از خودش و یا دیگران
فراهم کند خداوند روز قیامت او را در حالی
زنده می‌کند که صورتش سیاه، چشمانش از
حداق بیرون زده و دستانش در گردنش بسته
است و گفته می‌شود این خائنی است که به
خدا و رسولش خیانت کرده است. سپس امر
می‌شود که او را به آتش افکنند.

روشن است که برای ترک یک
عمل مستحب کسی را به آتش دوزخ

نمی‌افکنند. بنابراین تأمین نیاز برادر
مؤمن در حدّ توان، بر هر مؤمن واجب
است. البته نیاز گرچه در این روایت
به طور مطلق بیان شده است اما
مقصود، آن نیاز شدیدی است که در
حدیث اول آمده است، زیرا به اجماع
اهل نظر، تأمین نیازهای غیر ضروری
— نیازهایی که زندگی بدون تأمین
آنها بر افراد دشوار است — بر مسلمانان
واجب نیست. پس کفالت عمومی در
حدود نیازهای ضروری است و اگر
مسلمانی اموالی بیش از مخارج
متعارف معاش خویش داشته باشد،
حق ندارد برادر خود را در نیاز شدید
رها کند، بلکه باید آن نیاز را برطرف
نماید.

اسلام بین کفالت عمومی و اصل
برادری عمومی بین مسلمانان ارتباط
برقرار کرده است تا نشان دهد که این
وظیفه تنها به عنوان مالیات بر درآمد
نیست، بلکه کفالت عمومی، نمود
عملی برادری عمومی است و این شیوه
همیشگی اسلام است که به احکام،
رنگ اخلاقی می‌دهد تا آن را با بینشها
و ارزشهای مورد نظر خود سازگار کند.

۶ - وسائل الشیعه ج ۱۱ ص ۵۹۷،

ح ۱.

۷ - همان، ج ۱۱ ص ۵۹۹ ح ۱.

بنابراین حق انسان در اینکه دیگران او را تکفل کنند برخاسته از بینش اسلام در مورد برادری آنان با اوست.

کفالت دولت

در این مورد دولت اسلامی در تأمین اجتماعی، مسئولیت مستقیم دارد. حدود این تأمین با حدود تأمین اجتماعی مبتنی بر کفالت عمومی، متفاوت است. در این مسئولیت تنها تأمین نیازهای حیاتی افراد بر عهده دولت نیست، بلکه تأمین حد کفایت از زندگی - حدی که به طور متعارف افراد جامعه اسلامی در آن سطح زندگی می‌کنند - بر دوش حاکم است. زیرا مسئولیت دولت در اینجا اغاله و اداره زندگی افراد در حد کفایت است و حد کفایت مفهومی کش دار است به گونه‌ای که هر چه زندگی عمومی جامعه مرفه‌تر و آسانتر شود، این مفهوم نیز بر وضعیتهای بهتر اقتصادی منطبق می‌گردد. بر این اساس، بر دولت لازم است هم نیازهای اساسی فرد از قبیل: غذا، لباس، مسکن و... را تا سطح کفایت نسبت به شرایط اجتماعی برطرف کند و هم نیازهای غیر اساسی را که در دیدگاه جامعه اسلامی در چارچوبه حد کفایت وارد می‌شود.

در قرآن مسؤل مستقیم ایجاد عدالت در میان مردم، پیامبر اکرم (ص) معرفی شده است. خداوند می‌فرماید:

وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأَمْرٌ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ^۸

بگو من به آنچه خداوند از کتاب نازل فرموده است ایمان دارم و مأمور شده‌ام در میان شما ایجاد عدالت کنم.

البتّه در اینجا پیامبر اسلام (ص) به عنوان حاکم اسلامی چنین مسئولیتی دارد. بنابراین حکومت اسلامی در هر زمان می‌بایستی به بر پایی عدالت اقدام نماید.

همانگونه که قبلاً نیز اشاره شد، عدالت در مورد وضعیت اقتصادی مردم ایجاد می‌کند که برای نیازمندان، تأمین اجتماعی برقرار شود تا مستغنی گردند. در روایستی نیز از امام صادق (علیه السلام) آمده است:

مَا أَوْسَعَ الْعَدْلُ؟ ثُمَّ قَالَ: إِنَّ الْتَّاسَ يَشْتَعُونَ إِذَا عُذِلَ بَيْنَهُمْ...^۹

چقدر عدل وسیع است؟ سپس فرمود: همانا هرگاه میان مردم عدالت اجرا شود مستغنی می‌شوند...

۸ - سورة شوری آیه ۱۵.

۹ - وسائل الشیعه ج ۱۱ ص ۱۱۶

باب ۶۹، ح ۱.

در روایت دیگری از امام موسی بن جعفر (ع) نقل شده است که فرمود:

لَوْ غَدِيتَ فِي النَّاسِ لَا تَسْتَعْتُوا ثُمَّ
قَالَ: إِنْ الْعَدْلُ أَخْلَى مِنَ الْعَسَلِ وَلَا يَعْدِلُ
إِلَّا مَنْ يُخِينُ الْعَدْلَ.^{۱۱}

اگر در میان مردم عدالت برقرار شود، مستغنی می‌شوند. سپس فرمود: همانا عدل از عسل شیرین تر است و عدالت را برقرار نمی‌کند مگر کسی که آنرا خوب می‌داند.

به همین جهت وظیفه جمع‌آوری صدقات (زکات و...) به عهده ولی امر مسلمین گذارده شده است.^{۱۱} و نیز مسئولیت تقسیم و توزیع مالیات‌های اسلامی بر عهده اوست.^{۱۲} پیامبر اکرم (ص) اقدام به جمع‌آوری زکات و توزیع و تقسیم آن بین نیازمندان و سایر موارد مصرف آن می‌نمود.

از روایات نیز استفاده می‌شود که حاکم اسلامی مسئول مستقیم تأمین اجتماعی می‌باشد، در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) آمده است که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) در یکی از سخنرانی‌هایش فرمود:

مَنْ تَرَكَ ضِيَاعًا فَعَلَىٰ ضِيَاعِهِ
وَمَنْ تَرَكَ دَيْنًا فَعَلَىٰ دَيْنِهِ وَمَنْ تَرَكَ مَالًا
فَأَسْكَلَهُ.^{۱۳}

هر که افراد تحت تکفل خود را بجا گذارد بر عهده من است و هر که قرضی بجای نهد بر عهده من است و هر که مالی (بدون وارث) گذارد من آن را مورد استفاده قرار می‌دهم.

در حدیث دیگری از امام موسی بن جعفر (علیه السلام) نقل شده است که درباره مسئولیت امام فرمود:

هُوَ وَاوْرَثُ مَنْ لَا وَاوْرَثَ لَهُ يَبْعُولُ
مَنْ لَا حِيلَةَ لَهُ.^{۱۴}

امام وارث کسی است که وارث ندارد؛ او زندگی کسی را که توانایی ندارد اعاله (اداره) می‌کند.

إِحْالَهُ بِمَعْنَى تَأْمِينِ حُدُ
كِفَايَةِ زَنْدِ كِي أَفْرَادِ اسْت. ۱۵ قَبْلًا نِيْز
اشاره شد که حکومت اسلامی موظف است زندگی آبرومندان و نسبتاً مرفهی را برای نیازمندان فراهم کند.

۱۰ - اصول کافی ج ۱ ص ۵۴۲،
دنیاله ج ۴.

۱۱ - سورة توبه آیه ۱۰۳: خُذْ مِنْ
أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ...

۱۲ - سورة توبه آیه ۶۰: إِنَّمَا
الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَ...

۱۳ - وسائل الشیعه ج ۱۳ ص ۹۲
ح ۵. ضیاع: زن و فرزندان و هر که در نفقه
شخص باشد (فرهنگ بزرگ جامع نوین
عربی-فارسی).

۱۴ - وسائل الشیعه ج ۶ ص ۳۶۵
ح ۴.

همانگونه که از روایت منقول از موسی بن جعفر (علیه السلام) در جای دیگر فهمیده می شود، می بایستی از زکات، آن مقدار به فقیر داده شود که بی نیاز گردد و در یک سال مالی، بدون احساس دست تنگی و سختی زندگی نماید (بِلا ضَيْقٍ وَلَا تَقْتِيرٍ) و اگر زکات جهت تأمین چنین زندگی برای نیازمندان کافی نبود، والی باید از منابع ویژه خود تا حدی که با رفاه زندگی کنند به آنان بپردازد.

عبارات روایات بروشنی اصل تأمین اجتماعی را بیان می کنند و مسئولیت مستقیم دولت را در اداره زندگی افراد و فراهم کردن حد کفایت، برای آنان شرح می دهند.

كَانَ عَلَى الْوَالِي أَنْ يُمَوِّنَهُمْ مِنْ عِنْدِهِ بِقَدْرِ سَعَتِهِمْ حَتَّى يَسْتَعْمُوا...^{۱۶}

نیز در روایتی از موسی بن یکر آمده است که امام موسی بن جعفر (علیه السلام) به او فرمود:

مَنْ ظَلَبَ هَذَا الرَّزْقَ مِنْ جِلَّةٍ لِيَعُودَ بِهِ عَلَى نَفْسِهِ وَعِيَالِهِ كَانَ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِنَّ غَلِبَ عَلَيْهِ فَلْيَسْتَدِينْ عَلَى اللَّهِ وَعَلَى رَسُولِهِ (ص) مَا يَقُوتُ بِهِ عِيَالَهُ، فَإِنْ مَاتَ وَلَمْ يَقْضِهِ كَانَ عَلَى الْإِيَامِ قَضَاؤُهُ، فَإِنْ لَمْ يَقْضِهِ كَانَ عَلَيْهِ وَزْرُهُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقْسُوهُ:

إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ... وَالغَارِمِينَ فَهُوَ
فَقِيرٌ مُسْكِينٌ مُغْرَمٌ.^{۱۷}

هر که این روزی را از راه حلالش بدست آورد تا مخارج خود و عائله اش را با آن تأمین کند چون مجاهدی در راه خداست. پس اگر گرفتار (و ناتوان) شد، به قدر مخارج عائله اش قرض کند. اگر مرد و قرض خویش را ادا نکرد، بر عهده امام و رهبر جامعه اسلامی است که ادا نماید و اگر امام این وظیفه را انجام نداد، گناهش بر اوست؛ زیرا خدای عزوجل می فرماید: همانا صدقات برای فقرا، مساکین و... و بدهکاران است و او فقیر و مسکین و مدیون می باشد.

در نامه امیرالمؤمنین (علیه السلام) به مالک اشتر آمده است:

ثُمَّ اللَّهُ اللَّهُ فِي الْكَلْبَةِ الْكُفْلَى
مِنَ الدِّينِ لَاحِيَلَةَ لَهُمْ مِنَ الْمَسَاكِينِ
وَالْمُخْتَضَجِينَ وَأَهْلِ الْبُيُوتِ وَالزَّمَنِي...
وَأَجْعَلْ لَهُمْ قِسْمًا مِنْ بَيْتِ مَالِكَ وَقِسْمًا
مِنْ غَلَاتِ صَوَا فِي الْإِسْلَامِ فِي كُلِّ
بَلَدٍ... وَتَعَهَّدْ أَهْلَ الْبَيْتِ وَذَوِي الرِّقَةِ فِي

→ ۱۵ - أَنَا أَلْرَجُلُ عِيَالَهُ: كَمَا هُمْ مَعَاشَهُمُ، الْمَجِد. عَانَ الرَّجُلُ عِيَالَهُ أَوْغَيْرَهُمْ: خانواده خود یا دیگران را اداره کرد، فرهنگ نوین.

۱۶ - وسائل الشیعه ج ۶ ص ۱۸۵

۳.ح

۱۷ - همان ج ۱۳ ص ۹۱ ح ۲.

أَلْسِينَ مِمَّنْ لَاحِيَلَةٌ لَهُ وَلَا يَنْصِبُ لِلْمَسَالَةِ
نَفْسَهُ... ١٨

خدا را، خدا را، درباره
طبقه پایین (یعنی) کسانی که چاره‌ای
ندارند، مثل مسکینان و نیازمندان و فقیران
و زمین گیران در نظر بگیر و بخشی از
بیت المال و قسمتی نیز از درآمدهای خالصه
اسلام در هر شهر را برای آنان قرار بده و
عهده دار یتیمان و پیرمردان باش، کسانی که
بیچاره‌اند و خود نیز تقاضای کمک برای
خویش نمی‌کنند.

منابع تأمین اجتماعی

اسلام برای تأمین اجتماعی
منابع فراوانی قرار داده است تا آن حد که
هیچ نیازی از نیازمندان جامعه اسلامی
بدون پاسخ باقی نماند. در روایات
زکات، شواهد بسیاری بر این مطلب
وجود دارد که اسلام برای رفع فقر و
هرگونه نیازی اقدام لازم را انجام داده
است. در روایتی از امام
صادق (علیه السلام) آمده است:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ قَرَضَ لِلْفُقَرَاءِ
فِي أَقْوَالِ الْأَغْيَاءِ مَا يَسْتَعْتُمُ وَتَلَوَعِيمَ أَنَّ
ذَلِكَ لَا يَسْتَعْتُمُ زَادَهُمْ إِيَّاهُمْ لَمْ يُؤْتُوا مِنْ
قَبْلِ قَرِيضَةِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَلَكِنْ أُوتُوا مِنْ
مَنْعٍ مَنْ مَنَعَهُمْ حَقَّهُمْ لَا مِمَّا قَرَضَ اللَّهُ
لَهُمْ وَلَوْ أَنَّ النَّاسَ أَدُّوا حُقُوقَهُمْ لَكَانُوا

عَائِشِينَ بِخَيْرٍ ١٩

همانا خدای عزوجل برای
نیازمندان در اموال ثروتمندان، آن مقدار
واجب کرده است که آنان را بی‌نیاز کند و
اگر می‌دانست که این مقدار آنان را مستغنی
نمی‌کند سهم آنان را زیادتر می‌کرد.
گرفتاری فقیران از ناحیه سهمیه‌ای نیست
که خداوند متعال، واجب کرده؛ بلکه
ابتلای آنان از ناحیه کسانی است که به
پرداخت حق آنان اقدام نکرده‌اند و اگر مردم
حقوق آنان را پرداخت می‌کردند، نیازمندان
در خیر و خوشی می‌زیستند.

نیز از آن حضرت نقل شده
است که فرمود:

وَلَوْ أَنَّ النَّاسَ أَدُّوا زَكَاةَ أَقْوَالِهِمْ
مَا تَقَى مُسْلِمٌ فَقِيرًا مُخْتِاجًا وَلَا سَتَغْنَى
بِمَا قَرَضَ اللَّهُ لَهُ وَأَنَّ النَّاسَ مَا افْتَقَرُوا
وَلَا اخْتِاجُوا وَلَا جَاغُوا وَلَا عُرُوا إِلَّا بِذُنُوبِ
الْأَغْيَاءِ. ٢٠

اگر مردم زکات اموالشان را
می‌پرداختند هیچ مسلمانی فقیر و نیازمند
باقی نمی‌ماند و با آن مقداری که خدا برای
او قرار داده است، غنی می‌شد و همانا مردم
فقیر و نیازمند و گرسنه و برهنه نشدند مگر در
اثر گناه ثروتمندان (که از پرداخت حقوق
آنان امتناع کردند).

١٨ - نهج البلاغه نامه ٥٣.

١٩ - وسائل الشیعه ج ٦ ص ٣٠٣.

٢٠ - وسائل الشیعه ج ٦ ص ٤٠٦.

بنابراین منابع کافی برای تأمین نیاز همه کسانی که باید از تأمین اجتماعی برخوردار شوند در نظر گرفته شده است. در اینجا به روشنترین منابع تأمین اجتماعی در اسلام اشاره می‌کنیم:

۱ و ۲ - زکات و زکات فطره

موارد مصرف زکات و زکات فطره در مبحث انفاق بیان شده است. در اینجا یادآور می‌شویم که بدهکاران و در راه ماندگان مستقیماً در آیه زکات از موارد مصرف آن بشمار آمده‌اند و غالب موارد دیگر که به عنوان افراد زیر پوشش تأمین اجتماعی برشمرده شد، مصداق مسکین و فقیرند. مسکین کسی است که قدرت هیچ گونه کار و کسب درآمدی ندارد و فقیر کسی است که توان کسب درآمد برای همه نیازهای خود را ندارد. بنابراین منبع مهم برای تأمین اجتماعی زکات است.

۳ - کفارات مالی و هندی (قربانی

حج) و...

قبلاً موارد کفارات مالی مورد بحث قرار گرفت. در اینجا فقط بر این نکته تأکید می‌کنیم که کفارات مالی برای تأمین زندگی فقرا و مسکین قابل استفاده می‌باشد. قرآن دربارهٔ نقض قَسَم می‌فرماید:

فَكَفَّارَتُهُ إِطْعَامُ عَشْرَةِ مَسَاكِينَ
مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ أَهْلِيكُمْ
أَوْ كِسْوَتُهُمْ... ۲۱

کفارة شکستن قسم، غذا دادن به ده نفر مسکین است؛ از غذایی معمولی که به خانواده خود می‌دهید. یا پوشانیدن آن ده نفر...

نیز در مورد کفارة شکار در حال احرام می‌فرماید:

وَمَنْ قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءٌ
مِثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعَمِ يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ
مِنْكُمْ هَدِيًّا بِالْبَالِغِ الْكُفْبَةِ أَوْ كَفَّارَةٌ طَعَامُ
مَسَاكِينَ... ۲۲

هر کس از شما در حال احرام عمداً حیوانی را بکشد کفارة آن، حیوانی همانند آن شکاری است که کشته است. در این باره دو عادل از شما حکم کنند که آیا این حیوان هدیی باشد که به کعبه برسد یا کفارة آن غذای مسکین است...

همچنین یکی از کفارات افطار روزه ماه مبارک رمضان، اطعام شصت مسکین است که اگر کسی عمداً و بدون عذر روزه این ماه را ترک کند برای هر روز باید به شصت فقیر غذا بدهد. ۲۳

۲۱ - سوره مائده آیه ۸۹.

۲۲ - سوره مائده آیه ۹۵.

۲۳ - تحریر البوسیله ج ۱ ص ۲۷۴، مسألة ۲.

هَدَىٰ قِرْبَانِي است که برای حج تمتع باید در مِئِنِي ذبح شود. یکی از مصارف آن فقرا می‌باشند. قرآن می‌فرماید:

فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ.^{۲۴}

از گوشت قربانی بخورید و به نیازمند سخت حال بخورانید.

اگر گوشت قربانی هر ساله حجاج را جمع‌آوری و با نگهداری در سردخانه‌ها و انتقال به کشورهای اسلامی به مصرف فقرا برسانند، می‌توانند میلیونها گرسنه را از این منبع سیر کنند.

۴ - خمس

موارد مصرف نصف خمس، سادات نیازمند می‌باشند که در آیه خمس تحت عنوان: **وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ** و **وَابْنِ السَّبِيلِ**.^{۲۵} مطرح شده‌اند. بنابراین خمس، منبعی برای تأمین اجتماعی نیازمندان بنی هاشم می‌باشد و با توجه به اینکه نصف دیگر خمس متعلق به امام است و امام حق تصمیم‌گیری در مورد آن را - مطابق آنچه صلاح بداند - دارد، خمس یکی از منابعی خواهد بود که حکومت اسلامی - در صورت نیاز - حق دارد از آن برای تأمین اجتماعی غیر سادات نیز استفاده کند. در حدیثی از امام موسی بن جعفر (علیه السلام) آمده است.

وَأَنْ نَّقَصَ مِنْ ذَلِكَ شَيْءٍ وَلَمْ يُكْتَفَوْا بِهِ كَأَنْ عَلَى الْوَالِي أَنْ يَمُوتَهُمْ مِنْ عِنْدِهِ بِقَدْرِ سَعَتِهِمْ حَتَّى يَسْتَعْنُوا.^{۲۶}

در صورت عدم کفایت زکات برای تأمین زندگی فقرا، حاکم اسلامی باید از بیت‌المال به قدر توسعه و رفاه نیازمندان هزینه زندگی آنان را بپردازد تا آن حد که مستغنی شوند...

کلمه «از نزد خود» دلیل بر این است که استفاده از غیر زکات از موارد بیت‌المال نیز برای بالا بردن سطح معیشت فقرا و غنی ساختن آنان ممکن است.

۵ - فیء و انفال

فیء و انفال متعلق به امام و حکومت اسلامی است و امام حق مصرف آنها را در مصالح مورد نظر خود دارد. یکی از موارد مصرف فیء و انفال در سوره حشر آمده است: **وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ** و **وَابْنِ السَّبِيلِ**.^{۲۷} بنابراین فیء و انفال از منابع تأمین اجتماعی بشمار می‌رود. در این آیه برای استفاده از فیء به عنوان بخش

۲۴ - سوره حج آیه ۲۸.

۲۵ - سوره انفال آیه ۴۱.

۲۶ - وسائل الشیعه ج ۶ ص ۱۸۴

ح ۳.

۲۷ - سوره حشر آیه ۷.

عمومی برای یتیمان، مساکین و در راه ماندگان تأکید شده است تا از انحصار ثروت به وسیله پاره‌ای از افراد جامعه جلوگیری شود: **كُنْ لِاَيُّكُوْنَ ذُوْلَةً بَيْنَ الْاَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ**.^{۲۸}

۶ - دارایی بستگان

یکی از منابع تأمین اجتماعی دارایی بستگان افراد است البته در مواردی که واجب النفقه آنان محسوب شوند. در این صورت اگر خود آنها اقدام به تأمین نیازمندیهای زندگی بستگان واجب النفقه خود نکردند، حکومت اسلامی موظف است آنان را به این تأمین وادار نماید.

۷ - انفاقات مستحبی

همچنانکه در بحث مالیاتها گفته شد یکی از منابع مهم تأمین اجتماعی انفاقات مستحبی است که تحت عنوان صدقات، وقفها، نذرها، اطعامها و... انجام می‌گیرد. اگر به این منابع سروسامانی داده شود، شاید از نظر کمیت و کیفیت کمتر از منابع واجب تأمین اجتماعی نباشند. بنابراین می‌توان یکی دیگر از منابع تأمین اجتماعی را انفاقات مستحبی مردم برشمرد که با برنامه ریزی لازم، قابل استفاده بهتر و بیشتر خواهد بود.

۸ - سایر منابع مالی که در اختیار

حاکم اسلامی است

□ الف - غنایم جنگ: آنچه از کفار در جهاد اسلامی به دست مسلمانان می‌رسد، غنیمت جنگی محسوب می‌شود. از این غنایم، اراضی، باغها و ساختمانها متعلق به عموم مسلمانهاست و قابل تقسیم و خرید و فروش نیست، غنایم منقول آن پس از کم کردن خمس، میان رزمندگان تقسیم می‌گردد، در صورتی که حاکم اسلامی صلاح بداند این غنایم را میان نیازمندان تقسیم می‌کند و به همه رزمندگان سهمی نمی‌دهد. همانگونه که رسول اکرم (ص) در مورد غنایم بدست آمده از یهود بنی نضیر انجام داد. آن حضرت به انصار - که ساکنان اصلی مدینه بودند و نسبت به مهاجرین از زندگی بهتری برخوردار بودند - فرمود:

در صورت تمایل از اموال و خانه‌هایتان بین مهاجرین تقسیم کنید و با آنها در این غنیمت شریک شوید. در غیر این صورت خانه‌ها و اموالتان برای شما باشد ولی چیزی از این غنیمت میان شما تقسیم نشود.

در صورتی که طبق قاعده می‌باید غنایم میان همه رزمندگان تقسیم می‌شد، ولی پیامبر (ص) برای رفع نیاز مهاجران که فقیر بودند فرمود یا

۲۸ - سوره حشر آیه ۷.

غنایم را فقط به مهاجران بدهند یا اینکه انصار از اموال و خانه های خود بخشی را میان مهاجران تقسیم کنند. البته انصار، بزرگواری بیشتری کردند و گفتند «ما از خانه ها و اموالمان برای آنان تقسیم می کنیم و نسبت به غنیمت هم ایثار کرده و با آنان شریک نمی شویم».^{۲۹}

□ ب - خراج: عبارت است از درآمد زمینهایی که به وسیله فتح جزء قلمرو اسلام قرار گرفته است. این اراضی متعلق به عموم مسلمانان است و درآمد آنها باید در راه مصالح عموم مسلمانان خرج شود. مانند حفظ مرزها، کمک هزینه رزمندگان، بناء پلها، تأسیس و ترمیم جاده ها،^{۳۰} تأمین مخارج قضات، والیان و حاکمان،^{۳۱} بنای بیمارستانها، مراکز فرهنگی، پرورشگاهها و همه کارهایی که نفع آن به عموم افراد جامعه اسلامی برمی گردد، گرچه خراج برای عموم مردم هزینه می شود ولی طبیعی است که زندگی فقرا را نیز بهبود می بخشد؛ زیرا آنچه رفاه عمومی را افزایش دهد به نفع نیازمندان - که بخشی از عموم افراد جامعه هستند - نیز خواهد بود.

بعلاوه در صورتی که حاکم اسلامی به صلاح همه مسلمانان بداند می تواند خراج را به نیازمندان

اختصاص دهد؛ زیرا خراج برای تأمین مصلحت عمومی جامعه است و تشخیص موارد آن بر عهده حاکم اسلامی است. نیز نقل شده است که پیامبر اکرم (ص) در مورد درآمد اراضی خیبر اینگونه عمل فرمود که نصف درآمد آنها را برای حوادث و اتفاقات و نیازهای خویش به عنوان حاکم اسلامی قرار داد و نصف دیگر آن را به هجده سهم تقسیم کرد که هر سهمی شامل صد نفر می شد و کسانی را که - به علت عدم توانایی - در جنگ حضور نداشتند و فقیر بودند، جزء این افراد برشمرد.^{۳۲}

□ ج - جزیه: عبارت است از مالیات سرانه ای که حاکم اسلامی از اهل ذمه^{۳۳} به تناسب درآمد و وضعیت زندگی آنان دریافت می کند. مصرف آن مانند غنایم جنگی، تأمین نیازهای

- ۲۹ - مجمع البیان ج ۹ ص ۲۶۰.
۳۰ - شرایع الاسلام، کتاب الجهاد، فی الغنیمه ص ۲۴۶.
۳۱ - تذکره الفقهاء، کتاب الجهاد، فی احکام الارضین ص ۴۲۷.
۳۲ - رجوع کنید به «اقتصادنا» ص ۴۵۱.
۳۳ - اهل ذمه، اهل کتاب (یهودیان، مسیحیان و زردشتیان) هستند که در پناه مسلمانان زندگی می کنند.

مجاهدان و رزمندگان است. ۳۴

□ د - طشق: عبارت است از درآمد زمینهای موات که دولت آنها را برای آباد کردن به افراد واگذار نموده است. در صورتی که دولت اسلامی بخواهد می‌تواند از آنان به عنوان حق مالکیت مبلغی دریافت کند. طشق در برخی روایات نیز مورد اشاره قرار گرفته است ۳۵ و برخی از فقهای بزرگ نیز به لزوم پرداخت آن فتوا داده‌اند. ۳۶

مصرف طشق در اختیار حاکم اسلامی است و در این باره محدودیتی ندارد.

□ ه - درآمد حاصل از سایر مالیاتهایی که حاکم اسلامی براساس اختیاراتی که دارد و مصلحتی که تشخیص می‌دهد وضع می‌کند. دولت می‌تواند این درآمدها را در هر راهی که صلاح بداند مصرف کند.

□ و - درآمد ناشی از شرکت مستقیم دولت در کارهای تولیدی و خدماتی

ابزارها یا سیاستهای تأمین اجتماعی

آنچه ذکر شد عمده منابع مالی بود که در اختیار حکومت اسلامی قرار می‌گیرد تا جهت برقراری تأمینهای اجتماعی، رفع فقر از جامعه اسلامی و افزایش رفاه اقتصادی و

اجتماعی برای اقشار ضعیف، متوسط و یا همه مردم صرف شود.

این تدابیر و سیاستها به گونه‌های مختلفی هستند که خطوط کلی آن از این قبیل است:

۱ - کمکهای مستقیم به طبقه ضعیف و مستمند جامعه همچون بی‌بضاعتها، ناتوانان، بی‌سرپرستها، گرفتاران و درماندگان که همواره مورد توجه اسلام بوده و طبق آیات و روایاتی که قبلاً بحث شد برای آنان صریحاً در برخی منابع مالی حکومت اسلامی سهمی قرار داده شده است مانند:

إِنَّمَا الْأَصْقَدَاتُ لِلْفُقَرَاءِ
وَالْمَسَاكِينِ... ۳۷

مَا آفَاءَ اللَّهِ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ
الْقُرَىٰ قَلِيلٌ وَلِبَرَسُؤْلِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ
وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَأَنْزِلِ السَّبِيلِ... ۳۸

۲ - ایجاد زمینه‌های کار مناسب برای بیکاران توانمند جامعه و

۳۴ - تذکره الفقهاء، ج ۱ ص ۴۲۷.

۳۵ - وسائل الشیعه ج ۶ ص ۳۸۳،

ح ۱۳. در روایت کابلی از آن تعبیر به خراج شده است، و مسائل ج ۱۷ ص ۳۲۹، ح ۲.

۳۶ - النهایه، کتاب المتاجر

ص ۴۲۰.

۳۷ - سوره توبه آیه ۶۰.

۳۸ - سوره حشر آیه ۷.

همچنین تشویق و حمایت از کارگران ضعیف به طور مستقیم یا غیر مستقیم، در این رابطه می‌توان از سیاستهای پولی و مالی استمداد گرفت؛ زیرا این گونه سیاستها در نظام اسلامی طوری تنظیم می‌گردند که بیشترین بها را به عنصر کار داده و امکانات مالی و پولی را در خدمت این عامل قرار می‌دهند. همچنین در این زمینه می‌توان از سیاست تشویق کار در بخشهای تولیدی و مبادلاتی و شرکتهای تعاونی استفاده نمود.

۳ - بیمه‌های اجتماعی عمومی و یا در رابطه با قشرهای ضعیف از قبیل بیمه درمان، آموزش رایگان، مزدهای غیر مستقیم، پاداشهای سالانه، وامهای مسکن، اعانه‌های عائله مندی و...
۴ - تنظیم قوانین کار و حقوق کارگر و کارفرما به طوری که تضادهای فاحش و ظلم و فشار را از طبقه کارگر و کارمند بزداید.

۵ - جلوگیری از احتکارها و انحصارطلبی‌هایی که منجر به توزیع و یا تنگناهای اجتماعی می‌گردد، مخصوصاً در کالاهای ضروری و لازم. همچنین استفاده از نرخگذاری و نظارت مستقیم یا غیر مستقیم بر بازار - چنانکه ممکن باشد - جهت

جلوگیری از فشارهایی که از این راه بر طبقه محروم و فقیر جامعه وارد می‌آید.

۶ - سایر ابزارها و سیاستهای اقتصادی جهت رفع و مبارزه با آن در سطح عموم جامعه^{۳۹} البته چنانکه گذشت این هدف نه تنها به وسیله ابزارهای ذکر شده توسط دولت انجام می‌گیرد، بلکه تعالیم و فرهنگ اسلامی نیز افراد جامعه را به طور مستقیم و یا غیر مستقیم در این رابطه موظف می‌کند که در رفع فقر و ضعف مستمندان کوشا باشند. بدین ترتیب در جامعه اسلامی نقش مردم در برقراری تأمین اجتماعی بسیار مهم و اساسی است.



۳۹ - کیفیت ارتباط برخی از این ابزارها در جهت برقراری تأمین اجتماعی، نیاز به بحثهای تحلیلی مفصلی دارد که در جای خود مطرح خواهد شد.